

بررسی ترجمه‌ی کتاب ادبی "خودت باش دختر"

بر اساس فرم داوری ترجمه‌ی ادبی

آزاده نعمتی

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه آموزش زبان انگلیسی، ایران.

نام نویسنده مسئول:

آزاده نعمتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۷

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی ترجمه‌ی کتاب ادبی "خودت باش دختر" بر اساس فرم داوری ترجمه‌ی ادبی می‌باشد. بدین منظور فرم داوری ادبی استفاده گردید. در این تحقیق ۶۰ دانشجوی رشته‌ی مترجمی زبان شرکت داشتند. یافته‌ها نشان داد که از میان ۵ بخش اصلی معیارهای داوری کتاب، بخش ۳ با عنوان رعایت اصول ترجمه بالاترین درصد امتیاز را کسب کرده است (۹۱٪) و به این معناست که مترجم اصول ترجمه را اعم از استفاده‌ی معادل، انطباق با متن اصلی، شیوایی و رسایی را رعایت کرده است و در دیگر بخش‌ها قسمت رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی کمترین (۷۵٪) امتیاز را کسب نموده است. به عبارت دیگر چاپ کتاب از نظر یکدستی رسم‌الخط، رعایت قواعد دستوری و موارد دیگر نیازمند ارتقا می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که نقش ترجمه و مترجم در شکل‌دهی نظام ادبی زبان مقصد و تنوع ادبی بسیار حائز اهمیت است. بنابراین لزوم ترجمه‌ی کتاب‌های ادبی و همچنین داشتن معیارهای مناسب برای ارزیابی ترجمه واضح و مشخص است.

واژگان کلیدی: کتاب ادبی، بررسی، فرم داوری، ادبیات.

مقدمه

امروزه از ترجمه به عنوان یک صنعت نام برده می‌شود. ترجمه در لغت یعنی برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر، یا از زبان مبدأ به زبان مقصد، به گونه‌ای که تا حد امکان محتوا و صورت پیام در این انتقال حفظ شود. اما این مسأله به ساختارهای متفاوت زبان‌ها وابسته است. یکی از راه‌های شناسایی و دسترسی ادبیات اثرپذیر به اثرگذار، ترجمه است. بررسی متن ادبی، تعیین نوع متن، واکاوی ساختارهای خاص آن و عناصر فرهنگی آن، تعیین مأموریت ترجمه پیش از ترجمه‌ی متن و تعیین روش ترجمه‌ی برآمده از بررسی متن، موجب فهم بهتر متن و ارائه‌ی ترجمه‌ای معادل می‌شود (حدادی و کهریز سنگی، ۱۳۹۶).

هر زبان از واژگانی خاص استفاده می‌کند، هم نشینی واژه‌ها در هر زبان تابع قواعدی خاص است و در نهایت، جمله‌هایی که در هر زبان به کار می‌رود، می‌تواند معنی یا معانی ویژه‌ای برای خود داشته باشد که انتقال هر یک از این جملات بدون دستکاری، حذف یا اضافه کردن ویژگی‌های دیگر امکان پذیر نمی‌نماید (امامی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۰). از نظر لطفی‌پور ساعدی، ترجمه عبارت است از پیدا کردن نزدیک ترین معادل طبیعی پیام زبان دهنده در زبان گیرنده، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک. نیومارک (۱۹۷۶م)، ترجمه را فنّ و حرفه‌ای می‌داند که طیّ آن سعی می‌شود پیام نوشتاری زبانی را با همان پیام در زبان دیگر جایگزین کنند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۵۶). این گونه تعریف‌ها نه تنها مشکل مترجم را حل نمی‌کند، بلکه بر پیچیدگی‌های آن هم می‌افزاید. مترجم یا نویسنده محور است، یا خواننده محور است. اگر مترجم، نویسنده محور باشد، سعی می‌کند تا عناصر متنی زبان مبدأ را حفظ کند و به متن اصلی وفادار بماند. در ترجمه‌ی خواننده محور، رساندن پیام نویسنده مهم است و در نتیجه، مترجم در ترجمه آزادتر است و سعی می‌کند تا برای عناصر متن مبدأ مشابه در زبان مقصد بیابد. فهم چنین ترجمه‌ای برای خواننده آسانتر است. ترجمه‌ی وفادار و معنایی، زبان نامأنوس دارد و برای ایجاد ارتباط با خواننده باید به توضیحات مفصل متوسّل شود تا سبک و فرهنگ نویسنده‌ی اصلی را حفظ کند. اما ترجمه‌ی آزاد فقط به انتقال پیام و ایجاد ارتباط صریح با خواننده می‌اندیشد. مترجم مانند نویسنده از بافت اجتماعی خود متأثر است. اینکه چرا یک مترجم کتاب خاصی را در برهه‌ی زمانی معین برای ترجمه انتخاب می‌کند و آن ترجمه در زبان مقصد چه پذیرشی می‌یابد، پرسش‌هایی قابل تأمل برای پژوهشگر ادبی است؛ به عبارت دیگر، نویسندگان کشورهای مختلف از طریق ترجمه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و این تأثیرپذیری و تأثیرگذاری خودآگاه یا ناخودآگاه صورت می‌گیرد. در طیّ این تعامل متقابل، پژوهشگر ادبی اثری را از زبان و فرهنگ دیگر اقتباس می‌کند و به صبغه‌ی فرهنگ ملی و بومی خود درمی‌آورد و گاهی از مضامین آن با تأثیرپذیری از شگردهای ادبی نویسنده‌ی مبدا الهام می‌گیرد (انوشیروانی، ۱۳۹۱: ۱۲ - ۱۱). از دیدگاه نجفی (۱۳۶۵)، مترجم خوب کسی است که به اندازه‌ی نویسنده اصلی قریحه ادبی داشته باشد. وظیفه مترجم عبارت است از فراهم آوردن شرایط و زمینه‌ای که در آن نویسنده‌ی متن اصلی و خواننده‌ی زبان مقصد بتوانند با یکدیگر به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند و این زمانی مهیاست که متن زبان مقصد از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبدأ معادل باشد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۷۹).

ترجمه‌ی عناصر فرهنگی

پیتیر نیومارک از سال ۱۹۸۰ یکی از چهره‌های شاخص در بنیان‌گذاری مطالعات ترجمه در دنیای زبان انگلیسی است. او در جنبش نظریه پردازی ترجمه نقش بزرگی ایفا کرد و توانست از خلال تألیف کتاب‌ها و مقالات بسیار که بالغ بر صد عنوان است، ارتباط محکمی بین نظریه و تطبیق برقرار کند. کتاب دوره آموزش فنون ترجمه که از مهم ترین کتاب‌های نیومارک به شمار می‌رود (نیومارک، ۲۰۰۶). پیتیر نیومارک (۲۰۱۱ - ۱۹۱۶ م)، نظریه پرداز انگلیسی ترجمه، می‌گوید: «در توجیه و موارد استعمال هر یک از انواع ترجمه، عواملی چون هدف ترجمه و اهمیت ذاتی واحد معنایی در متن و نوع متن را مطرح می‌کند. در جاهایی که زبان را به عنوان ملازم عمل یا سمبل آن به کار می‌برند، ترجمه‌ی پیامی به عمل می‌آید، در حالی که تعریف‌ها، شرح‌ها و غیره به شیوه‌ی معنایی ترجمه می‌شوند. اگر نوشته‌های غیر ادبی، مطبوعاتی، کتاب‌های درسی و نوشته‌های علمی باشند، ترجمه‌ی پیامی هستند. برعکس، بیان اصلی که در آن زبان ویژه‌ی نویسنده به اندازه‌ی پیام اهمیت دارد، صرف نظر از نوع موضوع متن از قبیل فلسفی، مذهبی، سیاسی و ادبی، احتیاج به ترجمه‌ی معنایی دارد (نیومارک، ۱۹۸۱م: ۴۴، به نقل از لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۷۴). از جمله پرطرفدارترین نظریات درباره‌ی مسئله فرهنگ در فرآیند ترجمه، متعلق به پیتیر نیومارک است. عناصر فرهنگی شامل

مفاهیم و اصطلاحاتی می‌شوند که به جغرافیا، سنت‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ اجتماعی و مادی، نهادها و جریان‌ها و فرهنگ و زبان خاص اختصاص دارند (پالامبو، ۱۳۹۱: ۳۸). نیومارک در ابتدا فرهنگ را این گونه تعریف می‌کند؛ فرهنگ به عنوان وسیله‌ای برای روش زندگی و جلوه‌های خاص زندگی بشر به شمار می‌رود و بین زبان فرهنگ و زبان جهانی تمایز وجود دارد (نیومارک، ۲۰۰۶). نیومارک عناصر فرهنگی را در پنج مقوله دسته بندی می‌کند:

۱- بوم شناسی

۲- فرهنگ مادی (مصنوعات): الف. مواد غذایی، ب. پوشاک، ج. مسکن و شهرها و د. وسایل نقلیه

۳- فرهنگ اجتماعی، کار و اوقات فراغت

۴- نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریان‌ها و مفاهیم: الف. سیاسی و اداری، ب. مذهبی و تاریخی و ج. هنری

۵- اشارات و حرکات در حین سخن گفتن و عادات (نیومارک، ۱۹۸۸: ۹۵)

روش‌های ترجمه‌ی کلمات فرهنگی و چالش‌های آن

یکی از موضوعاتی که در ترجمه مشکل ساز می‌شود، تفاوت‌های فرهنگی است. فرهنگ مجموعه‌ای ست از آداب، رسوم، سنت‌ها، ارزش‌ها، باورها، عقاید و مذهب، که اگر مترجم با آداب و رسوم خاص زبان مبدأ آشنایی نداشته باشد، ممکن است در ترجمه‌ی خود دچار مشکل شود (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۳). تعامل با مقولات فرهنگی همواره مشکلاتی را برای مترجم به همراه دارد. به منظور حل این مشکلات، متخصصان حوزه‌های نظری و عملی ترجمه، راهکارهای متنوعی ارائه داده‌اند؛ نیومارک بیش از پانزده روش را برای ترجمه‌ی عناصر فرهنگی پیشنهاد می‌دهد. در حقیقت استفاده از این روش‌ها همواره به عوامل بافتی بستگی دارد و نیومارک با ذکر هفده مورد از این روش‌ها، سعی کرده است تا به مترجمان در ترجمه‌ی عناصر فرهنگی (فرحزاد، ۱۳۸۳: ۹). این پژوهش تلاش می‌کند تا به روش‌هایی اشاره کند که در ترجمه‌ی عناصر فرهنگی نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریان‌ها و مفاهیم، نزد مترجمان ایرانی پرکاربردتر بوده‌اند.

۱- انتقال

انتقال یا وام‌گیری به معنای واژه قرضی یا رونوشت با الفبای زبان مقصد است. انتقال مرحله‌ای از ترجمه و به معنی آوردن کلمه‌ای از زبان مبدأ به متن زبان مقصد است؛ بدین معنی که کلمه‌ای با الفبای زبان دیگر رونوشت شود که تغییر حروف الفبایی زبان‌های مختلف را نیز شامل می‌شود (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

۲- بومی کردن

بومی کردن یا بومی سازی از راهبردهای کلان ترجمه است که با هدف تولید سبکی روان و شفاف در متن مقصد صورت می‌گیرد. این راهبرد نقطه مقابل بیگانه سازی یا بومی زدایی است (پالامبو، ۱۳۹۱: ۴۵ و ۵۷). این روش بر انتقال غلبه می‌کند و واژه‌ی زبان مبدأ را ابتدا با تلفظ طبیعی و سپس با شکل طبیعی (شکل واژه‌ها) زبان مقصد مطابقت می‌دهد (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۵). در این روش مترجم می‌کوشد عناصر فرهنگی زبان مبدأ را در فرهنگ زبان مقصد جذب و آن را با اصول و ارزش‌های فرهنگ خودی سازگار کند. در واقع، این کار به مثابه پوشاندن جامه‌ی خودی به فرهنگ غیرخودی است.

۳- معادل فرهنگی

زمانی که یک واژه‌ی فرهنگی از زبان مبدأ به واژه‌ای فرهنگی در زبان مقصد ترجمه می‌شود، در واقع این ترجمه‌ای تقریبی است و کاربرد این نوع ترجمه محدود است؛ چون دقیق نیست، اما در متون عمومی، متون تبلیغی و آگهی‌ها و نیز به عنوان توضیحی برای خوانندگانی که به موضوع مورد بحث زبان مبدأ آشنایی ندارند، می‌توان از این معادل استفاده کرد (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۵). گاهی نیز مترجم ناگزیر است به خاطر نبودن معادل درست برای واژه‌ی مورد نظر در زبان مقصد، از معادل تقریبی استفاده کند؛ برخی نیز بر این باورند که به جای اسم نامأنوس متن مبدأ، می‌توان کلمه‌ای آشنا و متداول از زبان مقصد را جایگزین کرد؛ که این خود نوعی معادل فرهنگی است؛ البته بهتر است مترجم در ترجمه‌ی این واژه از روش «تلفیقی» (انتقال، معادل فرهنگی و اضافات و توضیحات) استفاده کند و پس از انتقال کامل کلمه از زبان مبدأ به زبان مقصد، معادل فرهنگی مشابه آن در زبان مقصد و توضیحات مربوط به آن را نیز در پاورقی یا داخل گیومه ذکر نماید (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۵).

۴- معادل کارکردی

این روش رایج که برای واژه‌های فرهنگی به کار می‌رود، مستلزم به کار بردن یک واژه‌ی مستقل از فرهنگ است که گاهی با یک واژه‌ی جدید خاص همراهی می‌شود؛ از این رو، این روش، واژه‌ی زبان مبدأ را خنثی یا عام می‌سازد و گاهی هم نکته یا جزئیاتی را اضافه می‌کند (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۳۱). این روش یکی از روش‌های مناسب در ترجمه به شمار می‌رود و زمانی که یک واژه‌ی تخصصی از زبان مبدأ هیچ معادلی در زبان مقصد نداشته باشد، از چنین روشی استفاده می‌شود. اما بهتر است زمانی که برای یک واژه معادل کارکردی صحیح وجود دارد، مترجم برای انتقال درست عنصر فرهنگی به زبان مقصد به جای استفاده از روش «انتقال»، معادل آن را به کار ببرد (نیومارک ۷۲: ۱۰۶).

۵- معادل توصیفی

در ترجمه، گاهی باید توصیف را بر کارکرد ارجحیت داد؛ یعنی آوردن معادل توصیفی کلمه در زبان مقصد (حیدری، ۳۹۳: ۳۷).

۶- مترادف

نیومارک بر این باور است که واژه‌ی «مترادف» در معنای یک معادل نزدیک در زبان مقصد برای واژه‌ای از متن زبان مبدأ است و استفاده از آن در جایی است که معادل دقیقی وجود نداشته باشد و واژه‌ای که معادل به جای آن گذاشته می‌شود، اهمیت زیادی در متن نداشته باشد، به ویژه برای صفات یا قیده‌های کیفیت. در حقیقت ترجمه، بدون استفاده از مترادف، شدنی نیست. مترجم مجبور است از اصل دقت در تحت اللفظی بودن عدول و از مترادف استفاده کند، تا بخش‌های مهم تر متن، یعنی اجزاء تعیین گر معنایی را درست تر ترجمه کند، اما استفاده‌ی بی جا و غیرضروری از مترادف‌ها مشخصه‌ی بسیاری از ترجمه‌های ضعیف است (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۷). نکته مهم در بحث مترادف‌ها، بار عاطفی آنهاست. برخی مترادف‌ها به لحاظ بار عاطفی متفاوت اند؛ به این معنا که برخی از کلمات، مثبت و بیانگر ستایش اند و برخی دیگر، بار منفی دارند و نکوهش به همراه می‌آورند.

۷- تغییر یا جایگزینی

تغییر یا جایگزینی یا جابه جایی، یکی دیگر از فنون ترجمه است و به معنای تغییر مقوله‌ی دستوری عناصر متن مبدأ در متن مقصد است (پالامبو، ۱۳۹۱: ۱۷۸). این تغییرات خودبه خود و از روی حس تشخیص و استنباط مترجم صورت می‌گیرد و هیچ گزینه‌ی دیگری در برابر وی قرار نمی‌گیرد (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۸ و ۱۰۹). در این گونه ترجمه‌ها، برای اینکه عبارت ترجمه شده در زبان مبدأ دلنشین تر باشد و با فرهنگ جامعه‌ی مبدأ سازگاری بهتری داشته باشد.

۸- ترجمه‌ی مورد قبول

معمولاً باید برای هر واژه‌ی سازمانی از ترجمه رسمی یا ترجمه‌ای که مقبولیت عامه دارد، استفاده کرد؛ اگر مناسب باشد، می‌توان آن را شرح داد و در شرح آن می‌توان به طور غیرمستقیم عدم توافق خود را با ترجمه رسمی که از آن صورت گرفته است، نشان داد و در این خصوص نمی‌توان سلیقه‌ای عمل کرد؛ چراکه به آشفستگی منجر می‌شود (نیومارک، ۱۴۱: ۰۰۶).

۹- ترجمه‌ی موقت

این روش ترجمه‌ای موقتی است که معمولاً برای واژه‌های جدید سازمانی صورت می‌گیرد و باید آن را داخل گیومه قرار داد تا در چاپ‌های بعدی و یا زمانی که فرهنگستان ادب برای آن معادل مناسبی پیدا کرد، عوض شود. این روش از طریق ترجمه‌ی تحت اللفظی انجام پذیر است (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۱۵). یا حتی می‌تواند از سایر روش‌ها مانند روش توضیحی استفاده کند و در پاورقی درباره‌ی آن مؤسسه مطلبی بیاورد تا خواننده آن را بهتر درک کند؛ چون درک بهتر خواننده از مطالب زبان مقصد، باعث می‌شود ارتباط فرهنگی بهتری بین زبان مبدأ و مقصد به وجود آید.

۱۰- جبران

این اصطلاح به یکی از فنون ترجمه اطلاق می‌شود که هدف آن جبران تأثیر یکی از صنایع متن مبدأ است که در ترجمه از دست رفته است؛ مانند جناس یا واج آرایی (پالامبو، ۱۳۹۱: ۲۲). ظاهراً این روش هنگامی صورت می‌گیرد که نارسایی معنایی یا نقص در جلوه‌های آوایی و استعاره‌ها و تأثیر کاربردی بخشی از جمله در قسمتی دیگر از همان جمله یا در جمله مجاور آن جبران می‌شود (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۱۵).

۱۱- کاهش و بسط

روش‌های ترجمه دیگری هم وجود دارد که دقت کافی در آنها وجود ندارد و مترجم از روی حس تشخیص خود، در برخی موارد آنها را به کار می‌بندد (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۱۵). روش بسط نیز زمانی به کار می‌رود که خواننده در فهم کلمه مورد نظر با مشکل مواجه می‌شود. در این حالت مترجم بار و زحمت نویسنده را به دوش می‌کشد (اسلواکوا، ۲۰۰۷: ۱۵). و با اضافه کردن کلمه‌ی دیگری، فهم فرهنگی آن واژه را به زبان مبدأ نزدیک تر می‌کند. بنابراین، این دو شیوه، از اهمیت بسیاری دارند؛ زیرا خوانندگان فرهنگ و زبان مقصد در زمینه‌ی معلومات تاریخی و فرهنگ بومی، در سطوح مختلفی قرار دارند.

۱۲- روش تلفیقی

در این روش، دو، سه یا چهار مورد از روش‌های ذکرشده را برای حل یک مشکل واحد با هم تلفیق می‌کنند. این روش به خصوص در واژه‌های فرهنگی رایج است؛ به طوری که روش انتقال با یک معادل کارکردی یا فرهنگی ترکیب می‌شود. می‌توان این روش را به مثابه‌ی فرصت‌های مضاعف در نظر گرفت (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۱۶ - ۱۱۷).

۱۳- یادداشت‌ها، اضافات، توضیحات

اطلاعات افزوده‌ای که مترجم باید به ترجمه اش اضافه کند که معمولاً توضیحات فرهنگی (که تفاوت میان فرهنگ زبان مبدأ و مقصد را مشخص می‌کنند) یا فنی (مربوط به موضوع) و یا زبانی (استفاده خودسرانه از واژه‌ها برای توضیح مطلب) است و به مقتضیات خوانندگان ترجمه بستگی دارد که با خوانندگان متن اصلی متفاوت هستند (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۴۵) در متون بیانی، این نوع اطلاعات را معمولاً باید فقط خارج از ترجمه ارائه کرد؛ هرچند برای جزئیات فرهنگی ریز، می‌توان تطبیق‌هایی صورت داد. در متون خطابی، اطلاعات و اضافات زبان مقصد جایگزین اطلاعات زبان مبدأ می‌شوند، اما به عنوان اضافه توضیحی، ضمیمه آنها نمی‌شوند. این توضیحات ممکن است به چند روش بیانند: ۱. به عنوان یک بند وصفی، داخل گیومه، داخل دو خط و... اشکال این روش آن است که تمایز میان مطالب اصلی متن و مطالبی افزوده مترجم، از بین می‌رود و برای افزودن اطلاعات و اضافات طولانی نمی‌توان از آن استفاده کرد؛ ۲. پاورقی و یادداشت در پایین صفحه؛ ۳. یادداشت‌های آخر فصل‌ها؛ ۴. یادداشت‌های توضیحی یا واژه نامه در آخر کتاب. که در اینجا روش دو و چهار ارجحیت دارند، اما حواشی و یادداشت‌های پایین صفحه اگر خیلی طولانی و تعداد آنها زیاد باشد، آزاردهنده هستند (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۱۸).

گذری اجمالی بر نظریه‌ها و روش‌های ترجمه‌ی ادبی

برگرداندن مفاهیم گفتاری و نوشتاری از یک زبان به زبان دیگر را که هدف از آن ایجاد پلی ارتباطی میان دو فرهنگ و دو زبان است ترجمه می‌نامند. زبان اصلی را، زبان مبدأ و زبانی را که به آن ترجمه شده زبان مقصد گویند. نخستین ترجمه‌ها در حوزه ادبیات متعلق به دوره ی رنسانس است. در این دوره مترجمان متون ادبی برخلاف ترجمه کنندگان آثار مذهبی - که اعتقادشان به ترجمه لفظ به لفظ بود آزادی عمل بیشتری برای خود قائل بودند. اینان آثار ادبی را با توجه به روح کلام و تأثیری که در خواننده ایجاد می‌کند، آنگونه که می‌پسندیدند ترجمه می‌کردند (میرزائی پوئینک، ۱۳۸۷). از زمان پیدایش قدیمی ترین فعالیت‌های ترجمه به عنوان نمونه در مصر، یونان، ایران و رم باستان، می‌توان قدیمی ترین ترجمه‌ها را نیز در تاریخ ترجمه‌ی بشری با استناد به برخی ترجمه‌های مشهور در ادواری خاص دنبال کرد. در عصر حاضر، ترجمه‌ی آثار ی را در دست داریم که جزو گنجینه‌های فرهنگ ی همه‌ی ملت‌ها به شمار می‌روند. در این زمینه می‌توان ترجمه‌های شکسپیر از آثار اوگوست و یلهلم شلگل که تأثیری مهم بر زبان مدرن آلمانی گذاشت و یا ترجمه‌های لوسیان به زبان‌های اروپایی که روحی در ادبیات جدید جهانی دمید، اشاره نمود (حدادی، ۱۳ - ۱۹۹۶). در این راستا به دیدگاه‌های نظری و روش‌هایی که در زمینه ترجمه‌ی ادبی در گذر از تاریخ ترجمه وجود دارد، خواهیم پرداخت.

درباره‌ی ماهیت ترجمه، به طور کلی دو دیدگاه کلاسیک وجود دارد. نخستین دیدگاه، ترجمه به منزله یک اثری هنری تلقی می‌شود که آفرینش و تولید آن، ارتباطی مستقیم با فهم فردی از متن مبدا دارد. اما مبنای دومین دیدگاه، آنست که ترجمه همچون اثری ملموس است که فهم عینی آن، اساس ترجمه است (نُرد، ۴۶ - ۴۵ - ۲۰۱۱). با توجه به این دو دیدگاه، می‌توان دو گونه ترجمه را از یکدیگر باز شناخت؛ ترجمه‌ی متون ادبی و ترجمه‌ی متون معمول و رایج. شرایبر این تقسیم بندی دوگانه را

ترجمه‌ی ادبی و ترجمه‌ی کاربردگرا نام می‌نهد و در این زمینه به تفاوت گذاری کُله، یعنی متون تخیلی و واقع نگار یا عینی اشاره دارد (شرایب، ۸۴ - ۱۹۹۳). رلف کلوپفر درباره‌ی دیدگاه نخست، خوانشی رمانتیک از ترجمه دارد و ترجمه را به مثابه‌ی اثری هنری می‌پندارد و دیدگاه خود را چنین بیان می‌کند که؛ ترجمه به نظم درآوردن است؛ اما نه هر نوعی از نظم، مانند بازسازی یا تفسیر مجدد اثری منظوم، بلکه معنای آن، منظوم ساختن مجدد منظومه‌ای دیگر است... شاعری در نقش و قالب شاعری دیگر (کلوپفر، ۱۹۶۷: ۱۲۶). همانند دو دیدگاه موجود درباره‌ی ماهیت ترجمه، در زمینه‌ی ترجمه پذیرای آثار ادبی نیز دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. نخستین دیدگاه، ترجمه‌ی آثار ادبی را غیر ممکن یا نارسا می‌داند و اساسا ترجمه ناپذیر، در حالی که دیدگاه دوم، آثار ادبی را بصورت بالقوه ترجمه پذیر تلقی می‌کند. به عنوان مثال، یوهان ولفگانگ فن گوته به دلیل دیدگاه جهان وطنی اش درباره‌ی ادبیات جهانی، در زمره‌ی بزرگانی است که موافق ترجمه پذیر است و مترجمان ادبیات جهان را نیز بر آن داشته است تا میان ملت‌ها و ادبیات آنها به منظور ترجمه‌ی سرمایه‌های معنوی جهان نی همت گمارند و نقشی میانجی ایفا کنند. گوته، مترجمان را همچون واسطه‌ها می‌داند که زیبایی نیمه نهفته‌ای را در جامعه‌ی محصولی ارزشمند به ما عرضه می‌دارند و رغبتی بی مانند را در کشف متن اصلی در درون ما زنده می‌کنند (گوته. به نقل از اشتوریگ ۱۹۶۳: ۷).

بررسی رابطه‌ی متقابل بین زبان و فرهنگ عامه

رابطه‌ی ژرف میان فرهنگ عامه و ادبیات و بررسی تأثیر این رابطه بر ترجمه از موضوعاتی است که مترجمان و بسیاری از متخصصان و منتقدان از جنبه‌های مختلف به آن پرداخته اند. با وجود تأکید بر لزوم پرداختن به تفاوت‌های فرهنگی و تبیین معیارها و مهارت‌های ترجمه در این واحدها همواره شاهد مشکلاتی در ترجمه هستیم که از تأثیر پذیری عمیق ادبیات از فرهنگ عامه نشأت می‌گیرند (درگاهی و حدادی، ۱۳۹۷). متن‌های ادبی به لحاظ شکل، محتوا و مقاصد ارتباطی با سایر متون متفاوت اند. به سخنی دیگر می‌توان آنها را حاصل مراوده‌ی فردی نویسنده با امکانات بیانی و جهان فرامتنی دانست. در حالی که خصیصه بارز متون علمی استفاده‌ی مداوم از عبارت‌های خنثی، تخصصی، دقیق و مرتبط با موضوع مقاله و نیز اجتناب از بکارگیری اصطلاحات تداعی کننده است. متن‌های ادبی در برگیرنده‌ی شمار زیادی از نشانه‌های نمادین یا تمثیلی هستند که گاه معانی مهمی دارند و گاه به بافت‌های برون متنی ارجاع می‌دهند (خدایی، ۱۳۹۰). افزون بر این متن‌های ادبی تا حد زیادی دارای بار فرهنگی اند (امیری، ۱۳۹۶). که اساسا ریشه در نشانه‌ها و کدهایی منحصر به فرد برگرفته از یک بافت فرهنگی خاص دارند (خدایی، ۱۳۹۰). تاجایی که مترجم متون ادبی مجبور است همواره در رابطه با ابعاد مختلف معنایی، تصمیمات زیادی اتخاذ کند و در عین حال در جهت شفاف سازی جنبه‌های گوناگون اجتماعی - فرهنگی برای خواننده‌ی بومی گام بردارد. نقش مترجم در این قسمت همانند انسانی است که علاوه بر برگرداندن متن، درهای فرهنگ را به روی مردم و دیگر اجتماعات بیگانه باز کند. هر مترجمی در واقع نقش میانجی فرهنگی را بازی می‌کند که موظف است ابتدا نشانه‌ها و کدهای منحصر به فرد فرهنگی را درک و تفسیر کند. سپس تصمیم بگیرد که چگونه می‌تواند عناصر بومی متن ادبی را که تنها با هنجارهای فرهنگی همان زبان مطابقت دارند با منابع موجود در زبان مقصد هماهنگ کند (خدایی، ۱۳۹۰). بنابراین ترجمه نیز نیست که تنها در سطح واژگانی بماند، بلکه درک مفاهیم معمولا نسبتی مستقیم با شناخت مولفه‌های فرهنگی و فضای اجتماعی برهه‌های زمانی مختلف دارد. از این رو می‌توان گفت، همه‌ی چالش‌های ترجمه در اثر ساختارهای پیچیده‌ی دستوری به وجود نمی‌آیند. بلکه بخش اعظمی از مشکلات مربوط به مفاهیم دارای بار خاص فرهنگی و اجتماعی می‌شوند که در زبان بیگانه برای آنها معادل وجود ندارد (امیری، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر تردیدی در این واقعیت وجود ندارد که ترجمه یک متن را موقعی می‌توان مطلوب قلمداد کرد که متن زبان مبدا بدون هرگونه تغییر و حذف و یا اضافه چه در فرم و چه در محتوا به زبان مقصد انتقال یابد و تأثیر آن نیز حفظ شود (حدادی. پروان، ۱۳۹۷). اما فرآیند این انتقال با توجه به تفاوت ساختاری زبان‌ها و اختلافات فرهنگی که ریشه در تفکر ملل مختلف جهان دارد، بسیار سخت و در مواردی با اما و اگرهایی چند روبه رو بوده است و به همین دلیل حتی برخی از متفکران به تحقق ترجمه به دیده‌ی شک و تردید می‌نگرند و محصولات ترجمه را زیر سوال برده اند (حدادی. پروان، ۱۳۹۷). یکی از مهم ترین گزاره‌ها درباره‌ی این مهم می‌تواند نگاه گذرا و کم عمق مترجم به بحث ارتباط ژرف میان ادبیات و فرهنگ باشد. زیرا شمار افراد زبده‌ای

که با داشتن تسلط کافی بر مولفه‌های فرهنگی هر دو زبان، قادر باشند ترجمه‌ای اصیل به وجود می‌آورند و اشتیاق به فرهنگ اصیل زبان مقصد را در خواننده بیدار کنند بسیار محدود است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲).

شیوه‌ها و راهکارهای ترجمه متون ادبی

در واقع هنگامی که برای مفاهیم در هر دو زبان مبدا و مقصد معادل یک به یک یا یک به چند وجود دارد، مشکل خاصی در ترجمه به وجود نمی‌آید. بلکه چالش اصلی با یک به صفر شروع می‌شود، جایی که برای واژه مفهوم یا فضای روایی در زبان مقصد هیچ نمونه یا جایگزینی وجود ندارد (کلر، ۲۰۰۴). تردیدی نیست که ترجمه‌ی ادبی فرآیندی خلاقانه است که نتیجه‌ی آن، اگر چه ویژگی‌های اصل اثر را تا حد زیادی در خودش دارد. اما به هیچ وجه به این معنا نیست که ترجمه را می‌توان با اصل اثر یکسان یا برابر دانست.

حتی اگر مترجمی اثر ادبی را با تحلیل‌ها و مقایسه‌های دقیق و با استفاده از ایده‌های خلاقانه ترجمه کرده باشد، باز هم باید بدانیم که چیزی به عنوان یک ترجمه‌ی نمونه از یک متن ادبی وجود ندارد (خدایی، ۱۳۹۰). زیرا با توجه به نظام‌های زبانی مختلف و ابزارها و قواعد زیبایی شناختی ناهمگن، برگرداندن یک متن بدون تغییر، جابجایی و رمزگذاری به سختی امکان پذیر است (خدایی، ۱۳۹۰). با وجود این، می‌توان با بررسی ابعاد و بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف در جهت استانداردسازی و وفاداری به متن اصلی گام‌های موثری برداشت.

حدادی و پروان (۱۴۰۰)، در بحث ترجمه از سه نوع مختلف سخن به میان آورده‌اند: ۱. ترجمه تحت اللفظی ۲. ترجمه لفظ به لفظ ۳. ترجمه آزاد.

ترجمه تحت اللفظی

در این شکل از ترجمه متنی را به گونه‌ای ترجمه می‌کنیم که بر اساس واحدهای معنایی زبان مبدا و واحدهای نحوی در زبان مقصد نوشته شده‌اند و همواره برای واحدهای معنایی در زبان مقصد به دنبال معنای نزدیک در زبان مبدا هستیم. به عبارتی دیگر در این روش، بومی سازی در حوزه‌ی نحو و بیگانه سازی در حوزه‌ی معنا صورت می‌پذیرد (حدادی و پروان، ۱۴۰۰).

ترجمه لفظ به لفظ

در ترجمه لفظ به لفظ با متنی در زبان مقصد روبه‌رو خواهیم بود که بر اساس واحدهای معنایی و نحوی زبان مبدا نوشته شده‌اند. به عبارتی دیگر در این روش، بیگانه سازی در حوزه‌های نحو و معنا صورت گرفته است. منظور این است که برای واحدهای معنایی زبان مبدا در زبان مقصد، معنای نزدیک به زبان مبدا در نظر گرفته شده و از نظر نحوی دو زبان مبدا و مقصد مشابه هم شکل گرفته‌اند. البته، اینکه در دنیا دو زبان با ساختار نحوی کاملاً مشابه وجود داشته باشد، جای شک و تردید است (حدادی و پروان، ۱۴۰۰).

ترجمه آزاد

در ترجمه آزاد واحدهای نحوی و معنایی زبان مبدا در قالب واحدهای نحوی و معنایی زبان مقصد نمود پیدا می‌کنند. در این نوع ترجمه متن را به گونه‌ای ترجمه می‌کنیم که واحدهای نحوی و معنایی در زبان مبدا بر اساس واحدهای معنایی و نحوی زبان مقصد نوشته شوند. به طوری که بومی سازی در حوزه‌های نحو معنا انجام پذیرد. ترجمه آزاد به ویژه برای متون ادبی توصیه می‌شود که با معنایی خاصی دارند و در صورت ترجمه تحت اللفظی و لفظ به لفظ گنگ هستند (حدادی و پروان، ۱۴۰۰). البته باید این نکته را در نظر گرفت که با توجه به هدف ترجمه و نوع متن ادبی می‌توان از اشکال مختلف ترجمه استفاده کرد. نکته تعیین کننده با توجه به هدف مقاله تعیین معادل مناسب در همه‌ی ابعاد، از ترجمه واژگانی گرفته تا باز آفرینی یا شفاف سازی فضای روایی متن مبدا در متن نقصد است. برای ترجمه واژگان، عبارات و جملات درون متن حدادی و پروان (۱۴۰۰)، هفت شیوه و راهبرد را معرفی کرده‌اند:

- ۱- وام گیری. ۲- گزیده برداری. ۳- ترجمه لغت به لغت. ۴- تبدیل. ۵- تعدیل. ۶- تعادل. ۷- اقتباس. در این میان وام گیری، تعدیل و تعادل را می‌توان به عنوان شیوه‌های برتر به منظور حفظ اصالت و انتقال فضای فرهنگی به کار برد (حدادی و پروان، ۱۴۰۰).

وام گیری

وام گیری اگر چه در راستای ترجمه تحت اللفظی قرار دارد، اما می توان در مواردی از آن در جهت انتقال مفاهیم از مبدا به زبان مقصد بهره گرفت. منظور از وام گیری انتقال واژه یا اصطلاح از زبان مبدا به زبان مقصد با حفظ معنا است (حدادی و پروان، ۱۴۰۰). در این شیوه واژگان وام گرفته شده از زبان مبدا با سیستم نگارشی و آوایی زبان مقصد مطابقت داده می شوند (رسولی، ۱۳۹۸).

تعدیل

در این راهبرد که در راستای ترجمه آزاد و مفهومی قرار دارد (حدادی و پروان، ۱۴۰۰)، نه تنها از بعد دستوری، بلکه به لحاظ محتوایی نیز انتقالی از زبان مبدا به مقصد صورت می گیرد. که با دیدگاه و تفکر حاکم در زبان مقصد هم خوانی داشته باشد (رسولی، ۱۳۹۸).

تعادل

شیوهی دیگر در راستای ترجمه آزاد تعادل است که در این شیوه جملهی زبان مقصد جایگزین جملهی از زبان مبدا می شود (هوزه، ۱۹۹۷). برای این منظور می توان به دلیل بافت و ساختار زبانی و فرهنگی متفاوت، از پتانسیل های موجود در زبان مقصد، مانند اشکال مودبانه، فعل های امری و غیره برای بیان منظور و حفظ اصالت زبان مبدا بهره جست (امیری، ۱۳۹۷). علاوه بر شیوه های نام برده سه راهکار دیگر در راستای حفظ اصالت و انتقال بار فرهنگی مفاهیم از زبان مبدا به زبان مقصد توصیه می شود: ۱- استفاده از توضیح تکمیلی یا تفسیر کوتاه داخل پرانتز درون متن. ۲- استفاده از پانویس برای تبیین بار و تفاوت های فرهنگی میان زبان مبدا یا زبان مقصد (راین آرت، ۲۰۰۹). ۳- استفاده از مقدمه به منظور آشنا سازی خواننده ی غیر بومی با فضای روایی داستان. راهکار سوم این موقعیت را به خواننده می دهد که ضمن درک وقایع به خواندن بدون وقفه داستان ادامه دهد (صلح جو، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش های داخلی در ارتباط با فرهنگ، ادبیات و ترجمه

خدایی (۱۳۹۰)، در مقاله ی خود درباره ی چالش های ترجمه متون ادبی، ضمن تبیین مفهوم ترجمه و تمایز میان وجوه نظری و عملی آن با یکدیگر، توانایی ترجمه ی ادبی را در واسطه گری میان فرهنگ های گوناگون و تکوین نوعی هرمنوتیک فرهنگی می داند. به باور او الهام پذیری از نشانه شناسی فرهنگی که به بررسی انواع نشانه ها و عوامل فرهنگی قابل تفسیر می پردازد، جزئی جدا نشدنی از فرآیند ترجمه به شمار می آید و باید که مترجم هنگام برگرداندن اثر از زبان مبدا به مقصد توجه کافی به نشانه ها و تعبیر آنها در جهت روشن سازی ابهام های متأثر از گوناگونی فرهنگی برای خواننده ی غیر بومی مبذول دارد (خدایی، ۱۳۹۰). امیری (۱۳۹۶)، از رابطه ی عمیق میان زبان و فرهنگ و چالش های حاصل از این رابطه برای مترجمان سخن به میان آورده و بر این عقیده است که بیشتر متن ها، از جمله آثار ادبی جلوه های تمام عیار از نشانه های فرهنگی هستند. بنابراین مترجم موظف است حین برگرداندن متن ها به زبان بیگانه، تمهیداتی حرفه ای برای رفع ابهام در ذهن خواننده ی غیر بومی بیندیشد (امیری، ۱۳۹۶).

در همین راستا، طغیانی (۱۳۸۴)، نیز در پژوهش خود نشان داده است که فرهنگ و ادبیات با همه تلقیات گوناگونی که دارند همدیگر را تحت تاثیر قرار می دهند و تقویت می کنند. او ضمن معرفی عناصر اساسی فرهنگ با در نظر گرفتن مهم ترین مولفه ی آن، یعنی مذهب جنبه های مختلف این تاثیر را بر ادبیات فارسی بررسی کرده است (طغیانی، ۱۳۸۴).

حدادی و پروان (۱۴۰۰)، پژوهش جامعی درباره ی متون ادبی انجام دادند. در این تحقیق پژوهشگران پس از تبیین ویژگی های متون مختلف و تقسیم بندی آنها بر پایه ی ویژگی ها، راهبردها و دستورالعمل های نسبی برای ترجمه به معرفی مهم ترین چالش ها، مانند ساختار نحوی متن، نگرش و سبک فکری نویسنده که متن با آن موجودیت پیدا می کند و نیز تفاوت مفاهیم فرهنگی که نوع منظور آنها در زبانها و فرهنگ های مختلف مشابه است پرداخته اند. در نتیجه با در نظر گرفتن موارد بالا سوالات تحقیق زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سوالات تحقیق

۱. اهمیت موضوع و ضرورت ترجمه‌ی کتاب "خودت باش دختر" چگونه است؟
۲. رعایت اصول ترجمه کتاب "خودت باش دختر" چگونه است؟
۳. رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی در کتاب "خودت باش دختر" چگونه است؟
۴. ویژگی ظاهری ترجمه‌ی کتاب "خودت باش دختر" چگونه است؟

بیکره تحقیق

هدف از تحقیق حاضر بررسی پرفروش‌ترین کتاب سال ۲۰۱۸ در آمازون و نیویورک تایمز با عنوان "girl wash your face" نوشته ریچل هالیس می‌باشد. این کتاب در ایران مترجمان مختلفی مانند فروزنده دولت‌یاری، محبوبه قایم‌پوش، لیلا صانعی موفق و هدیه جامعی داشته که مترجمان فوق عنوان کتاب را به عناوین مختلفی مانند "بهترین خودت باش دختر"، "مراقب خودت باش دختر"، "صورتت را بشوی و همیشه خودت باش دختر" ترجمه کرده‌اند. از میان ترجمه‌های فوق، محقق ترجمه هدیه جامعی با عنوان "خودت باش دختر" را انتخاب کرده است. این ترجمه چاپ ۱۹۱ در ایران بوده و پس از بررسی کلی تمام ترجمه‌ها از نظر محقق ترجمه هدیه جامعی بهترین گزینه معادل با کتاب و مناسب‌ترین ترجمه بوده است. کل کتاب با متن اصلی بر اساس فرم داوری ترجمه ادبی در نظر گرفته شده است.

مراحل نقد و داوری ترجمه‌ی ادبی

مقایسه‌ی متن: پس از بررسی معیارها و نکات روش‌شناسی یاد شده، ترجمه‌ها را جمله به جمله در واحدهای کوچکتر و از نظر سبکی با متن اصلی مورد سنجش قرار می‌دهیم و قضاوت خود را با استدلال انجام می‌دهیم. در صورتی که ارزیابی مان، مثبت نباشد، ترجمه‌ای پیشنهادی در پایان هر ارزیابی خواهد آمد (حدادی و صالحی کهریزسنگی، ۱۳۹۶).
ارزیابی: راه حل‌های مشکلات ترجمه که پس از مقایسه دو متن با ارزیابی مثبتی یا منفی، ارائه می‌شود، دسته بندی می‌شوند. در عین حال، دسته بندی بکار رفته، تا حد زیادی به ویژگی‌هایی از متن استناد می‌کند که در بررسی متن، روشن شده‌اند (حدادی و صالحی کهریزسنگی، ۱۳۹۶).

محتوا: با آنکه ریخت و عناصر آن، در متنی که ریخت محور باشد، نقش و اهمیت خاص خود را دارند، اما ریخت در متن پیش روی ما، در خدمت توصیف و تبیین محتوا و مقصود نویسنده نیز قرار گرفته است. از این رو، برای هر دو، ریخت و محتوا، اهمیتی یکسانی قائلیم. نخست به این پرسش در زمینه‌ی معیارهای ترجمه می‌پردازیم که آیا محتوای متن بصورت کامل و بدون خدشه، منتقل شده است یا نه. خدشه به محتوا، ممکن است از طریق حذف یا اضافه یا با شناخت غلط از ساختارهای دستوری- نحوی یا واژگانی و معنا شناختی پدید آید. در واژگان چند معنا، ممکن است بخاطر عدم توجه کافی به بافت متن، بواسطه معانی بالقوه، یکی از گزاره‌ها یا به عبارتی درون مایه پیام در متن مبدأ، به صورت معادل انتخاب نشده باشد (حدادی و صالحی کهریزسنگی، ۱۳۹۶).

ریخت زبانی: آن دسته از مشکلات ترجمه که نتیجه‌ی ریخت زبانی داستانند را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: مشکلاتی که مربوط به تقابل دو زبانند و در هر ترجمه از زبان خارجی به فارسی پدید می‌آیند و مشکلاتی که ناشی از ویژگی‌های خاص زبانی- سبکی متن اند (حدادی و صالحی کهریزسنگی، ۱۳۹۶).

ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور گردآوری داده‌ها، فرم داوری ترجمه ادبی برگرفته از فصلنامه علمی، فرهنگی مترجم شماره ۸۱ در نظر گرفته است. برگه داوری توسط دبیرخانه خانه کتاب تهیه شده برای ارزیابی ترجمه ادبی منتشر و در اختیار داوران قرار گرفته است (مترجم ۱۴۰۲). همانطور که صفحه ۵۲ فصلنامه ذکر شده است برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی از داور می‌خواهند که بر اساس هر نمرات دلیل و مستندات خود را بنویسند. به هر عنوان جداگانه نمره دهی کنند و ماحصل جمع نمره‌ها را به دست آورند.

این فرم داوری دارای پنج بخش اصلی می‌باشد. این پنج بخش به ترتیب زیر بیان شده است.

۱. اهمیت موضوع کتاب و ضرورت ترجمه آن
 ۲. عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی
 ۳. رعایت اصول ترجمه
 ۴. رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان ادبی فارسی
 ۵. ویژگی‌های ظاهری هر کتاب
- هر کدام از بخش‌های بالا دارای چندین زیر مجموعه می‌باشد.

شرکت‌کنندگان

در این تحقیق ۶۰ دانشجوی رشته‌ی مترجمی زبان شرکت داشتند. دانشجویان همگی ترم ۳ رشته‌ی مترجمی زبان در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی بودند و میانگین سنی آنها ۳۵ بوده است. تعداد ۴۵ دانشجوی مونث و ۱۵ دانشجوی مذکر در این تحقیق شرکت نمودند. پس از تهیه‌ی فرم داوری از دانشجویان خواسته شد تا کتاب اصلی و ترجمه کتاب را با دقت مطالعه فرمایند و فرم داوری را بر اساس نظر خود کامل نمره دهی کنند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

اگر سوالات فرم داوری ترجمه‌ی ادبی را از یک شماره گذاری نماییم تعداد سوالات مشخص می‌شود. بنابراین در این فرم بدون در نظر گرفتن ۵ شاخص اصلی تعداد ۲۳ سوال وجود دارد. میانگین درصد امتیاز دریافتی برای هر سوال از نظر داوران به صورت زیر است:

جدول ۱: میانگین درصد نمرات برای هر سوال

میانگین درصد	اهمیت موضوع کتاب و ضرورت ترجمه آن	
٪۸۸	میزان تاثیر در رفع نیاز مخاطب	۱
٪۸۳	تازگی و بداعت موضوع	۲
٪۷۴	جایگاه علمی اثر	۳
٪۶۷	ارتقا سطح فرهنگ ملی و اسلامی	۴
	عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی	
٪۸۴	عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی	۵
	رعایت اصول ترجمه	
٪۹۲	شیوایی و رسایی ترجمه	۶
٪۹۰	رعایت یکدستی در کاربرد اصطلاحات	۷
٪۸۷	تناسب نثر ترجمه با سبک مولف و موضوع کتاب	۸
٪۸۷	برگردان از زبان اصلی	۹
٪۸۶	انطباق بامتن اصلی	۱۰
٪۸۵	استفاده از معادل‌های مناسب	۱۱
٪۸۲	نوآوری در واژه گزینی معادل‌ها	۱۲
٪۸۰	برگردان از آخرین ویراست	۱۳
٪۷۸	معرفی کتاب و مولف ، مقدمه مترجم	۱۴
	رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی	
٪۹۳	نشانه گذاری و رعایت یکدستی در رسم الخط مصوب	۱۵

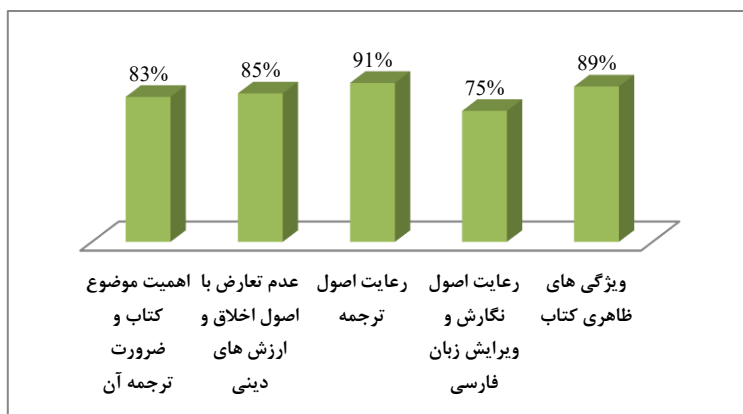
۱۶	رعایت قواعد دستوری و نگارش	٪۷۵
۱۷	فهرست‌های مورد نیاز و واژه نامه	٪۷۵
۱۸	تنظیم پانویست و یکدستی ارجاع و استناد	٪۷۳
ویژگی‌های ظاهری کتاب		
۱۹	نوع حروف	٪۹۵
۲۰	قطع و نوع چاپ	۹۴٪
۲۱	صفحه‌آرایی	٪۹۰
۲۲	طراحی جلد	٪۸۸
۲۳	چاپ و صحافی	٪۸۰

همانطور که از جدول بالا مشخص است در بحث اهمیت موضوع کتاب، میزان تاثیر در رفع نیاز مخاطب بالاترین امتیاز (٪۸۸) را کسب نموده و بر اساس نظر داوران زیر بخش ارتقا سطح فرهنگ و ملی پایین‌ترین امتیاز (٪۶۷) را کسب نموده است. کتاب ۸۴ درصد را برای بخش عدم تعارض با اصول اخلاقی و ارزشهای دینی را دریافت کرده. در بخش رعایت اصول ترجمه، شیوایی و رسایی بالاترین امتیاز (٪۹۳) را دارد و از لحاظ یکدستی، نوآوری در اصطلاحات، سبک و سایر موارد درصد بالایی را به دست آورده است. از نظر ویژگیهای ظاهری کتاب نوع حروف و قطع و نوع چاپ درصد بالای ۹۰ را دارد اما از نظر چاپ و صحافی نمره پایین‌تری دارد.

جدول ۲: میانگین درصد نمرات برای ۵ بخش اصلی

میانگین درصد	
٪۸۳	اهمیت موضوع کتاب و ضرورت ترجمه آن
٪۸۵	عدم تعارض با اصول اخلاق و ارزش‌های دینی
٪۹۱	رعایت اصول ترجمه
٪۷۵	رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی
٪۸۹	ویژگی‌های ظاهری کتاب

همان‌طور که از جدول بالا مشخص است از میان ۵ بخش اصلی معیارهای داوران کتاب، بخش ۳ با عنوان رعایت اصول ترجمه بالاترین درصد امتیاز را کسب کرده است (٪۹۱) و این به این معناست که مترجم اصول ترجمه را اعم از استفاده‌ی معادل، انطباق با متن اصلی، شیوایی و رسایی و استفاده از مدل‌های مناسب و غیره را رعایت کرده است و در تمام بخش‌های قسمت سه یعنی رعایت اصول نگارش و ویرایش زبان فارسی کمترین (٪۷۵) امتیاز را کسب نموده است. به عبارت دیگر چاپ کتاب از نظر یکدستی رسم‌الخط، رعایت قواعد دستوری و موارد دیگر نیازمند ارتقا می‌باشد.



نمودار ۱: میانگین درصد نمرات برای ۵ بخش اصلی

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل و ارزیابی با تکیه بر مشکلات ترجمه ادبی

دشواری ترجمه‌ی ادبی از آن روست که شناخت همه‌ی واحدهای ترجمه‌ی متن ادبی مبدأ و نیز تمامی ابزارها و امکانات بیانی ادبی و سبک شناختی و بازگرداندن همه‌ی آنها در متن مقصد، به راحتی ممکن نیست. از این رو همواره مشکلاتی در ترجمه بروز می‌کنند که باید در زبان مقصد، تغییراتی اعمال شود تا مشکلات موجود برطرف شود. این تغییرات از دیدگاه کاوتس (۲۰۰۲)، عبارتند از: تغییرات واژگانی، دستوری، سبکی - کار کردی و حتی معنا شناختی (کاوتس، ۲۰۰۲). نرد (۲۰۱۱)، میان مشکلات ترجمه و موانع در ترجمه تفاوت قائل می‌شود و تعریفی ترجمه شناختی در ترجمه ارائه داده است. مشکلات ترجمه عبارتند از مسائلی که لازم است در هنگام ترجمه حل شوند، در صورتی که بخواهیم متن مبدأ را به متن مقصد ترجمه کنیم تا مناسب کارکرد معینی در زبان مقصد باشد (نرد، ۲۰۱۱). بر این اساس، مشکلات ترجمه، ممکن است ناشی از مولفه‌های فرآیند ترجمه و به دیگر سخن، ناشی از متن کاملاً خاصی در زبان مبدأ باشد؛ ناشی از نوع تفسیر موقعیت متن مقصد و تضاد آن با موقعیت متن مبدأ بواسطه مأموریت ترجمه و یا به عبارتی دیگر ناشی از کارکرد اجتماعی زبان و مشکلات کاربرد شناختی باشد؛ به دلیل تفاوت میان شیوه‌های رفتاری فرهنگ مبدأ و مقصد و به عبارتی ناشی از مشکلات خاص فرهنگی باشد؛ و یا نتیجه تفاوت‌های ساختاری میان متن مبدأ و مقصد و به عبارتی ناشی از مشکلات تقابلی دو زبان باشد (همان).

هدف از این نگارش این مقاله بررسی ترجمه‌ی یک کتاب ادبی بر اساس فرم داوری ترجمه‌ی ادبی می‌باشد. برای رسیدن به این منظور ترجمه‌ی کتاب "خودت باش دختر" مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها به چند نکته‌ی مثبت که در ترجمه دیده شده است اشاره می‌شود.

بررسی نکات مثبت ترجمه‌ی کتاب "بهترین خودت باش دختر"

.....because I want to make sure you hear it.

تا اطمینان پیدا کنم که شما این مطالب را با گوش جان شنیده‌اید.

در بخش‌هایی که مترجم به جای ترجمه‌ی کلمه به کلمه، از عبارت معمول در فارسی استفاده می‌کند، متن ملموس تر و روان‌تر خواهد شد.

After a lifetime of chaos, I delighted in the order.

بعد از یک عمر زندگی در استرس و آشوب، سرانجام به آرامش رسیدم و صد البته که خدا را برای این نعمت شکر کردم.

در این قسمت نویسنده برای افزودن مناسبت‌های دینی و تاثیرگذاری بیشتر متن مقصد برای مخاطب، به صورت free translate متن را ترجمه کرده است.

I am constantly moving and going and rushing through life. The second I achieve one goal, and I mean the second it's accomplished, I immediately think, Okay, what next?

دائماً در حال فعالیت بودم یا بهتر بگویم، زندگی مرا به طرف جلو هل داده است. هر وقت به موفقیتی می‌رسیدم (منظورم دقیقاً

همان زمان نیست که هدفی را کامل می‌کردم) سریع فکر می‌کردم "خیلی خوب حالا باید چه کاری چه کار دیگری انجام دهم؟" در قسمت خط کشیده شده مترجم به جای ترجمه‌ی کلمه به کلمه، عبارت رایج در فارسی را بکار برده، و با افزودن "یا بهتر بگویم" متن ملموس‌تر و شیواتر شده است.

همچنین مترجم برای پیوستگی و متن مبدأ، قسمت‌های ایتالیک شده را داخل گیومه قرار می‌دهند و در برخی قسمت‌ها بر ترجمه‌ی آن قسمت تاکید بیشتری شده است.

How I tried-in vain-to put on eyeliner or mascara.

هر روز سعی می‌کردم (در تحقیق تلاش بی‌ثمر) روبروی آینه قرار بگیرم و...

این قسمت که مترجم درون پرانتز قرار داده، پیوستگی به متن مبدأ را نشان می‌دهد. مترجم از روش خوبی استفاده کرده تا مفهوم نویسنده را به مخاطب فارسی زبان برساند.

1. you've never acted and age before, but last night it was like it was written on your shirt.

2. on the one hand, in a lot of ways, he was right

"هیچ وقت رفتار مناسب با سنت نبوده ولی دیشب ثابت کردی که هنوز یه بچه‌ای".

از خیلی جهات حق با او بود.

در قسمت خط کشیده شده، مترجم از عبارت رایج در فارسی استفاده کرده تا ترجمه‌ی ساده‌تر و مفهوم‌تر شود. ۲. خلاصه سازی جمله، که در برخی قسمت‌های دیگر نیز رخ داده، باعث ساده سازی و فهم بهتر شده است. البته به شرطی که خلاصه کردن متن اصلی باعث حذف اطلاعات نشود و به مفهوم آسیب نرساند که در این قسمت رخ داده است.

تمام ناراحتی و گله و شکایت را در درون خود ریختم تا باعث ناراحتی کسی نشوم.

ترجمه‌ی خلاصه شده و روان است. قسمت خط کشیده شده به خوبی ترجمه شده و معادل گزینی شده است.

پس از ذکر نکات مثبت در ترجمه‌ی کتاب، چند نکته منفی نیز ترجمه‌ی کتاب بررسی شده است.

I had this fluffy, country-mouse idea that we could create a space on the internet.

این موش دهاتی همیشگی ک ۱ پیشنهاد جالب و شگفت‌انگیز داشت....

ترجمه‌ی "موش دهاتی" کاملاً بی‌ربط است که می‌شد به صورت "بنده‌ی حقیر" برای مخاطب فارسی‌زبان قابل فهم‌تر باشد.

Our judging has to stop. So does our compulsion to compete with everyone around us.

.....دست از قضاوت کردن اطرافیانمان برداریم. همانطور باید نیرو و علتی قوی که ما را وادار می‌کند با کسانی که در اطراف ما

هستند رقابت کنیم از خود برانیم.

ترجمه پیچیده و نامفهوم

.....light a fire under your butt.

.....از این قسمت کتاب برای روشن کردن یک آتش استفاده می‌کنم...

ترجمه کلمه به کلمه است. این اصطلاح برای تشویق افراد تنبل به کار می‌رود و کاملاً اشتباه ترجمه شده است.

رابطه میان فرهنگ عامه و ادبیات و تأثیرات متقابل این دو بر یکدیگر، امری است که همواره از زمان پیدایش نخستین متون ادبی تا به امروز وجود داشته است. ادبیات عامه یا فولکلور در هر کشوری جزئی از شرح احوال آن ملت است و مطالعه‌ی این عناصر تحول فکری و اجتماعی آنها را روشن می‌کند (پشت دار و همکاران، ۱۴۰۰). آثار ادبی ایرانی، به ویژه ادبیات معاصر از سالها پیش با بهره گیری از فرهنگ عامه بستر مناسبی برای بازگویی مضامین گوناگون از زندگی روزمره مردم اقلیم‌های خاص بوده است. منظور از ادبیات عامه همان ادبیاتی است که به صورت غیر مکتوب در میان مردم رواج دارد و به ادبیات شفاهی نیز موسوم است. این نوع ادبیات که به صورت شعر و داستان رواج دارد بعدها به صورت مکتوب در آمده، اما شکل سنتی و عامیانه خود را حفظ کرده است. فرهنگ عامه با وجود اینکه سرچشمه علمی ندارد، اما تجربه گرایی آن را نمی‌توان انکار کرد (پشت دار و همکاران، ۱۴۰۰). فرهنگ عامه یا روزمره در حقیقت به مثابه نظامی همه شمول و همگانی و در عین حال تعیین کننده برای همه‌ی افراد جامعه، نهادها یا گروه‌های مشخص می‌ماند که بر پایه‌ی نمادهایی خاص شکل می‌گیرند و در آن جامعه، نهاد یا گروه تداوم می‌یابد. این نظام همچنین بر ادراک، اندیشه، ارزیابی و رفتار تمام اعضا تأثیر می‌گذارد و ویژگی بارز تعلق هر یک از افراد به جامعه است. به عبارت دیگر، فرهنگ عامه قلمرویی از آداب رفتاری را بنیان می‌نهد که افراد متعلق به یک جامعه آنها را رعایت می‌کنند (امیری و فیروز آبادی، ۱۳۸۹). از سویی دیگر، ادبیات معاصر یکی از جلوه‌های بارز فرهنگ عامه است که پیوند ژرف زبان و فرهنگ عامه را نیز می‌توان به خوبی باز شناخت (امیری، ۱۳۹۶). تا کنون از منظر رابطه‌ی متقابل میان زبان و فرهنگ و تأثیر این رابطه بر ادبیات پژوهش‌های پراکنده گوناگونی انجام گرفته است. از مجموع بررسی‌های انجام شده می‌توان به دسته بندی زیر اشاره کرد (امیری و فیروز آبادی، ۱۳۸۹؛ ذوالفقاری و طغیانی، ۱۳۸۴؛ امیری، ۱۳۹۶؛ امیری، ۱۳۹۷):

الف- باورها و اعتقادات عامیانه: باورها و اعتقادات هر قوم با فرهنگ آن قوم ارتباطی مستقیم دارد. باورها بنیادی ترین مبانی جهان بینی انسان را در خود دارند. با تحول باورها، فرهنگ نیز گرایش و سمت و سوی دیگری به خود می‌گیرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۴). باورهای علمیان جلوه‌ای از فرهنگ عامه هستند و در عین حال بیانگر شیوه‌های زندگی و چگونگی تفکر و مهم ترین منشا باید‌ها و نبایدهای انسان‌ها هستند (ذوالفقاری، ۱۳۹۴). باورها خاستگاه فرهنگی دارند و چیزهایی هستند که از زمان کودکی و حتی پیش از آن از دیگران شنیده ایم و از منابعی چون محیط، وقایع، دانش، تجربیات پیشین، تصورات و غیره دریافت کرده ایم و به مرور در ذهن و نهاد ما شکل واقعی یافته و به حقیقت تبدیل شده اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۴).

ب- معنای مجاز: از دیگر شاخص‌های مهم در بررسی رابطه‌ی بین ادبیات و فرهنگ معنای مجاز است. درک بار فرهنگی مفاهیم، یا به عبارتی تداعی معانی، که به طور معمول بازتاب آنها را در اعمال و اندیشه‌های هر فرد به وضوح می‌توان دید، مستقیماً برگرفته از یک نظام فرهنگی تعیین کننده برای هر جامعه است (امیری و فیروز آبادی، ۱۳۸۰). همه مفاهیم حتی آندسته از واژه‌ها که استفاده از آنها در طی زندگی روزمره کاملاً ساده و خالی از مشکل به نظر می‌رسند، نه تنها از نظر بار فرهنگی خنثی نیستند، بلکه قادرند تفاوت‌های آشکاری را بیان کنند (امیری و فیروز آبادی، ۱۳۸۰).

ج- تعارفات: تعارف کردن تا حد زیادی تحت تاثیر هنجارهای اجتماعی قرار دارد. که به وضوح در تمامی ابعاد زندگی روزمره‌ی مردم رسوخ کرده و هدف از آن کسب و حفظ ارزش‌های اجتماعی مثبت برای خویشتن است (فایکا، ۲۰۱۶). تعارفات در زبان فارسی بار فرهنگی سنگینی دارند و به ندرت می‌توان حین ترجمه به زبان‌های دیگر، نمونه و جایگزینی برای آن پیدا کرد (میرزا سوزنی، ۱۳۹۷).

د- افسانه‌ها: گونه‌ای از ادبیات شفاهی است، که انعکاس آن در زبان و فرهنگ هر ملتی، به وضوح قابل مشاهده است. افسانه قصه‌ای است حاوی سرگذشت یا رویدادی خیالی از زندگی انسان‌ها، که با رموزها و رازها و گاه مقاصد اخلاقی و آموزشی توأم است (ذوالفقاری و باقری، ۱۳۹۲).

ر- احساسات: درک این واقعیت که عواطف و احساسات دارای پیوندی عمیق با فرهنگ هستند، ممکن است که در وهله‌ی اول کمی دشوار به نظر برسد. در حالی که چون ما اغلب کنترلی بر احساسات و کنش‌های عاطفی خود نداریم، بروز بسیاری از رفتارها خود به خود و کاملاً طبیعی به نظر می‌رسند. احساسات در انواع مختلف مانند ترحم، شادی، شرم و غیره در بستر اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند. (ارل و گومنیش، ۲۰۱۷).

ز- القاب و عناوین: عناوینی که بار فرهنگی منحصر به فردی دارند و به راحتی در زبان بیگانه معادل یا جایگزینی برای آنها یافت نمی‌شود (امیری، ۱۳۹۷).

س- مناسبت‌ها (اعیاد و مراسم مذهبی): مناسبت‌های ملی و مذهبی که تک تک عناصر مرتبط با این مناسبت‌ها بار فرهنگی دارند و میتوانند هنگام ترجمه متن به زبان بیگانه مشکل آفرین باشند (اموزگار، ۱۳۸۶).

ش- فضای روایی: هنگامی که متن تنها دارای توصیفات تجربی و به تصویر کشیدن‌های عینی باشد، ترجمه به زبان مقصد چندان مشکل ساز نیست. مشکل اصلی مربوط به تصاویر ذهنی است که در ارتباط مستقیم با ایده‌ها، ادراکات و ارزش‌های خاص فرهنگی هستند و نمی‌توانند در قالب یک ترجمه ساده به زبان مقصد منتقل شوند. هر چه فاصله‌ی فرهنگی بین کنشگران در زبان مبدا و خوانندگان در زبان مقصد بیشتر باشد، نیاز به شفاف سازی زمینه‌ای بیشتر می‌شود (امیری، ۱۳۹۶).

می‌توان گفت که نقش ترجمه و مترجم در شکل‌دهی نظام ادبی زبان مقصد و تنوع ادبی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند به تحکیم زبان بومی کمک کند (دل زنده روی و خزایی فر، ۱۴۰۳). بدیهی است تنوع و غنا در ادبیات بومی وقتی حاصل می‌شود که ادبیات غنی و متنوع از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف ترجمه شود (دل زنده روی و خزایی فر، ۱۴۰۳). بنابراین لزوم ترجمه‌ی کتاب‌های ادبی و همچنین داشتن معیارهای مناسب برای ارزیابی ترجمه واضح و مشخص است و حداقل انتظار از ترجمه‌ی ادبی حفظ و تحکیم زبان فارسی بایک ترجمه‌ی درست و مناسب است.

منابع و مراجع

- ۱) امیری، آنیثا. (۱۴۰۲). ترجمه‌ی متون ادبی: بررسی رابطه‌ی متقابل زبان و فرهنگ عامه در حوزه‌ی آموزش ترجمه، مطالعات زبان و ترجمه، دوره‌ی ۵۶، شماره ۲، صص ۳۳ - ۶۹
- ۲) انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۹۱). ادبیات تطبیقی و ترجمه پژوهی. مجله‌ی ادبیات تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۳. ش ۱. پیاپی ۵، ص ۹۱-۱
- ۳) محمدی، ابراهیم و امامی، حسن. (۱۳۹۱). کارکرد ترجمه در حوزه ادبیات ملل با تأکید بر ادبیات فارسی، مطالعات ترجمه. سال ۵. شماره ۶، ص ۴۵ - ۲۷
- ۴) لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی بر اصول و روش ترجمه». تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۵) نجفی، ابوالحسن. (۱۳۶۵). «مسأله امانت در ترجمه». تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ۶) پالامبو، گیزپه، اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه، ترجمه‌ی فرزانه فرحزاد و عبدالله کریم زاده، تهران، قطره، ۱۳۹۱
- ۷) حیدری، احمد و کبی (۱۳۹۳). روشنفکر، إشکالات نقل الخصوصیات الثقافیه فی روایات نجیب محفوظ المترجمه إلی الفارسی فی ضوء نظریه نیومارک؛ ۱۳۹۳
- ۸) فرحزاد، فرزانه، «سیر تحول مطالعات ترجمه در پنجاه سال اخیر»، مجموعه مقالات هم اندیشی ۲ ترجمه شناسی، تهران، یلدا قلم، صص ۹ - ۲۴، ۱۳۸۳
- ۹) نیومارک، پیتر، الجامع فی الترجمة، ترجمه حسن غزالی، ب بیروت، دار مکتبه‌ی الهلال، ۲۰۰۶
- ۱۰) حدادی، محمد حسین؛ صالحی کهریز سنگی، عباسعلی. (۱۳۹۶). بررسی تحلیلی خطاهای موجود در ترجمه متون ادبی با هدف بهبود آموزش و توانش ترجمه ادبی، پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۶، شماره ۲، از صفحه ۲۷۷ تا ۳۰۲
- ۱۱) میرزائی پوئینک، فاطمه. (۱۳۸۷). ادبیات و فن ترجمه، همایش ملی پژوهش‌های نوین در زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا
- ۱۲) امیری، ا. (۱۳۹۹). بهره‌گیری از راهکارهای رویکرد ادبی به منظور بالا بردن سطح مهارت‌های نوشتاری دانشجویان، نقد زبان و ادبیات خارجی. ۱۷ (۲۵) ۴۳-۱۵
- ۱۳) آموزگار، ژ. (۱۳۸۶). زبان فرهنگ و اسطوره. انتشارات معین.
- ۱۴) پشت دار، ع؛ یزدانی، ح، سرازدان، ف. (۱۴۰۰). بررسی عناصر ادبیات و فرهنگ عامه در اشعار منوچهر آتش. پژوهش نامه اورمزد (۵۷) ۴-۲۶.
- ۱۵) حدادی، م.ح؛ پروان، ح. (۱۴۰۰). فرآیند و برآیند ترجمه از بعد تجربی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶) درگاهی، ا.ح؛ حدادی، م.ح. (۱۳۹۷). ضرورت و بررسی راهکار انتقال توانش بین فرهنگی به دانشجویان رشته مترجمی دانشگاه تهران، پژوهش‌های زبان شناختی در زبان‌های خارجی. ۸ (۲) ۳۳۵-۳۳۷
- ۱۷) دل زنده روی، س؛ خزاعی، فریاد علی (۱۴۰۳). مبانی نظری برای انتخاب کتاب سال در حوزه ترجمه ادبی. فصلنامه علمی فرهنگی مترجم، (۸۱) ۴۸-۵۸.
- ۱۸) ذوالفقاری، ح (۱۳۹۴). باورهای عامیانه مردم ایران، نشر چشمه.
- ۱۹) ذوالفقاری، ح. باقری، ب. (۱۳۹۲). مهم ترین ویژگی‌های افسانه‌های پهلوانی ایرانی، مطالعات فرهنگ و ارتباطات ۱۶ (۳) ۷-۳۹
- ۲۰) صلح جو، ع. (۱۳۸۶). ترجمه ناپذیری فرهنگی. مترجم. ۱۷ (۴۶) ۴۳-۳۹
- ۲۱) طغیانی، ا. (۱۳۸۴). تاثیر متقابل ادبیات و فرهنگ. کیهان فرهنگی. (۲۲۷-۲۲۸) ۹۴-۹۷
- ۲۲) فایکا، ز (۱۳۹۵). ادب و تعارف در ایران. پژوهش‌های ایران‌شناسی. ۶ (۱) ۱۰۵-۱۲۳
- ۲۳) فیروز آبادی، س.س؛ امیری، ا. (۱۳۸۹). فرهنگ، زبان و آموزش، برگ فرهنگ، (۲۱) ۱۰۳-۱۱۱
- ۲۴) میرزا سوزنی، ص. (۱۳۹۷). تحلیل کنش گفتار تعارفات در فارسی، انگلیسی و فرانسه از منظر اجتماعی-فرهنگی، مطالعات زبان و ترجمه، (۱) ۵۱-۴۶.
- 25) Newmark, peter, A Textbook of Translation, first published, Prentice Hall, Newyork, 1988.
- 26) Slovakova, Vera, Historical Terminology in Translation of Non-Fiction, Department of English and American Studies, English Language and Literature, B.A. Major Thesis, 2007.

- 27) Haddadi, M. (1384/2006). Einführung in die Theorie und Praxis des Übersetzens, 2. Auflage. Teheran: Rahnama.
- 28) Nord, C. (2011). Funktionsgerechtigkeit und Loyalität. Theorie, Methode und Didaktik des funktionalen Übersetzens. Berlin: Frank & Timme .
- 29) Nord, C. (2008a): Traducción al alemán de textos literarios españoles: 07B: Textos literarios. Unveröfftl. Manuskript mit Materialien für den Fernstudiengang Máster den Traducción Especializada de las Lenguas Española y Alemana der Universitäten Sevilla und Córdoba, Spanien.
- 30) Nord, C. (2008b): Traducción al alemán de textos literarios españoles: 11B: Textos narrativos y dramáticos. Unveröfftl. Manuskript mit Materialien für den Fernstudiengang Máster den Traducción Especializada de las Lenguas Española y Alemana der Universitäten Sevilla und Córdoba, Spanien.
- 31) Schreiber, M. (1993). Übersetzung und Bearbeitung. Zur Differenzierung und Abgrenzung des Übersetzungsbegriffs. Tübingen: Günter Narr.
- 32) Kloepfer, R. (1967). Die Theorie der literarischen Übersetzung. Romanisch-deutscher Sprachbereich. München: Wilhelm Fink.
- 33) Kautz, U. (2002). Handbuch Didaktik des Übersetzens und Dolmetschens. 2. Auflage. München: Iudicium, Goethe-Institut.
- 34) Goethe, J. W. von (1963). Drei Stücke vom Übersetzen. In: Störig (1963): Das Problem des Übersetzens. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, Einleitung S. 7.
- 35) Amiri, A. (2017). Untersuchung der Beziehung von Kultur, Religion und Sprache als Übersetzungsproblem [Investigating the relationship between culture, religion and language as a translation problem]. In M. Grein & C. Ersch (Eds.), Neuemethodische Ansätze im DaF-Unterricht/ [New methodical approaches in DaF lessons] (Vol. 3, pp. 55–75). Salonlöwe.
- 36) Amiri, A. (2018). Authentizität und Wertkonflikte [Authenticity and value conflicts]. Shaker.
- 37) Götz, D. (2010). Langenscheidt Großwörterbuch Deutsch als Fremdsprache [Langenscheidt large dictionary of German as a foreign language]. Langenscheidt.
- 38) Hadadi, M. H., & Parvan, H. (2021). Farâyand va barâyand tarjomeh az bod tajrobi [The process of translation from an empirical perspective]. University of Tehran Press.
- 39) Rasule, S. H. (2019). Journalistic translation: Procedures and strategies in English-Kurdish translation of media texts. Cambridge Scholars Publishing.
- 40) Zulfaqari, H. (2014). Bâvarhây-e âmiyaneh mardom irân [Common beliefs of Iranians]. Chesmeh.
- 41) Koller, W. (2001). Einführung in die Übersetzungswissenschaft [Introduction to translation studies]. Quelle & Meyer.
- 42) Moradi, F., Nanquette, L., Hosseini-pour, M., Amiri, A., & Rakhimov, D. (2013). Publishing in Persian language. International Alliance of Independent Publishers
- 43) Schreiber, M. (1993). Übersetzung und Bearbeitung [Translation and editing]. Narr.
- 44) Schwarzlose, M. (2008). Äquivalenzdiskussion. Heute noch sinnvoll? [Equivalence discussion. Still useful today?]. Grin.
- 45) Hadadi, M. H., & Parvan, H. (2021). Farâyand va barâyand tarjomeh az bod tajrobi [The process of translation from an empirical perspective]. University of Tehran Press.
- 46) Khodaei, N. (2011). Die Herausforderung der literarischen Übersetzung [The challenge of literary translation]. In N. Khodaei (Eds.), Sprache und Literatur in interkultureller Perspektive [Language and literature from an intercultural perspective] (pp.78-101). Teheraner Universität Verlag
- 47) House, J. (1997). Translation quality assessment: A model revisited. Narr.
- 48) Moradi, F., Nanquette, L., Hosseini-pour, M., Amiri, A., & Rakhimov, D. (2013). Publishing in Persian language. International Alliance of Independent Publishers.
- 49) Dargahi, A. H., & Haddadi, M. H. (2018). Zarurat va baresiy-e râhkâr-e enteghâl tavâneš beyne farhangi be daneshjuyân-e reshte motarjemi-e zaban âlmani daneshgâh-e Tehran [Studying the necessity and approach of transfer of intercultural competence to students of German language

- translation at the University of Tehran]. Journal of Foreign Language Research, 8(2), 507-528.
<https://doi.org/10.22059/jflr.2018.248888.447>
- 50) Goethe, J. W. von (1963). Drei Stücke vom Übersetzen. In: Störig (1963): Das Problem des Übersetzens. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, Einleitung S. 7.
- 51) Haddadi, M. (1384/2006). Einführung in die Theorie und Praxis des bersetzens, 2.Auflage. Teheran: Rahnama.
- 52) Koller, W. (1997). Einführung in die Übersetzungswissenschaft. 5. aktualisierte Auflage. Wiesbaden: Quelle und Meyer.